

عناصر اجرای هنر نمایش

حامد طالبیان

دبیر هنر آموزش و پرورش منطقه‌ی خُنداب استان مرکزی

است و بازیگر هم به دو وسیله‌ی عمده برای ایفای نقش خود احتیاج دارد: بیان و بدن. آموزش فنون بازیگری مستلزم زمانی نسبتاً طولانی برای تمرین و ممارست زیر نظر مربیان آگاه و مجرب است تا به کارگیری این دو وسیله - بیان و بدن - را

هنگامی که هنر نمایش را بررسی می‌کنیم، نقش یک نظام یا سیستم را در آن مشخص‌تر می‌بینیم. در واقع نمایش شامل اجزا و عناصری است که در ارتباط نزدیک ساختاری با هم هستند. یعنی هر کدام از این اجزا و عناصر ویژگی کاربردی خاصی که در یک مجموعه‌ی همسان و واحد عمل می‌کنند و هنگامی که یکی از عناصر از بین برود یا سست شود، در این سیستم خلل وارد خواهد شد. در این جا برای آشنایی بیشتر، توضیح مختصری درباره‌ی هر کدام از این عناصر می‌آوریم.

کلید واژه‌ها: نمایش‌نامه، کارگردانی، بازیگری، چهره‌پردازی، صحنه‌آرایی، نورپردازی.

۱. نمایش‌نامه

برای بهره‌گیری از روش نمایشی، به متن ادبی یا نمایش‌نامه‌ای نیاز است که یک نمایش‌نامه‌نویس آن را نوشته باشد. نمایش‌نامه ممکن است مکتوب نباشد؛ در این صورت معمولاً خط اصلی داستان - یا سناریو - یعنی آنچه که در ذهن کارگردان نمایش وجود دارد، به صورت درجا و حضوری روی صحنه آورده می‌شود که به آن «بدیهه‌پردازی» می‌گویند. نمایش‌های روحی در ایران و نمایش کمدی یا «دل‌آرته» ایتالیایی از نوع بدیهه‌پردازی است.

۲. بازیگری

متن نمایشی یا نمایش‌نامه، با سایر انواع ادبی مانند قصه و شعر تفاوت‌هایی دارد. مهم‌ترین این تفاوت‌ها آن است که نمایش‌نامه را به منظور اجرا می‌نویسند نه برای خواندن. پس بدیهی است که برای اجرای نمایش‌نامه به بازیگر نیاز

برای رسیدن و دریافت «جوهر نقش» به بازیگر بیاموزند.

۳. چهره‌پردازی و لباس

معمولاً کمتر اتفاق می‌افتد که بازیگر با چهره

و لباس واقعی خود ایفای نقش کند، زیرا ناگزیر است به شکل و شمایل شخصیت‌هایی دربیاید که در متن نمایش‌نامه

«صحنه‌ی

نمایش» به عبارتی «قید مکان» است که کیفیت ایجاد رویدادهای نمایشی را توضیح می‌دهد و تفسیر می‌کند و «فضا» و «حالت» رویدادها را معین می‌سازد. به این دلایل هر نمایش، معمولاً به «صحنه‌آرایی» نیاز دارد و صحنه‌آرایی هم به نوبه‌ی خود مستلزم «نورپردازی» است. نورپردازی دو منظور عمده را تحقق می‌بخشد: نخست آن‌چه را که بر صحنه می‌گذرد، روشن و واضح می‌سازد، و دوم صحنه و بازیگران آن را، از نظر هنری «زیبا و جذاب» جلوه می‌دهد.

۵. کارگردانی

همه‌ی عنصرهای نمایش باید با یکدیگر هماهنگ و هم‌ساز و با ذهنیت خاصی تعبیر و تفسیر شوند. همان‌طور که رهبر ارکستر، براساس متن مکتوب موسیقی و به کمک نوازندگان به آن متن جان می‌بخشد، در نمایش نیز بازیگران زیر نظارت کارگردان به حرکت درمی‌آیند و متن نمایشی را زنده می‌سازند. کارگردان به نمایش‌نامه نقطه‌ی دید می‌دهد، عناصر آن را با هم ترکیب می‌کند و این نقطه‌ی دید را مورد تأکید و تفسیر قرار می‌دهد. ارائه‌ی «میزانسن»، از وظایف اصلی کارگردان است. منظور از میزانسن، قرارگیری و جابه‌جایی تمامی عناصر حتی بازیگران روی صحنه است. کارگردان در واقع حد فاصل نمایش‌نامه‌نویس و تماشاگر است و نمایندده، جانشین و مفسر نمایش‌نامه‌نویس به‌شمار می‌آید. خلاقیت و تبدیل اثر به یک کار هنری به عهده‌ی «کارگردان» است.

۶. تماشاگری

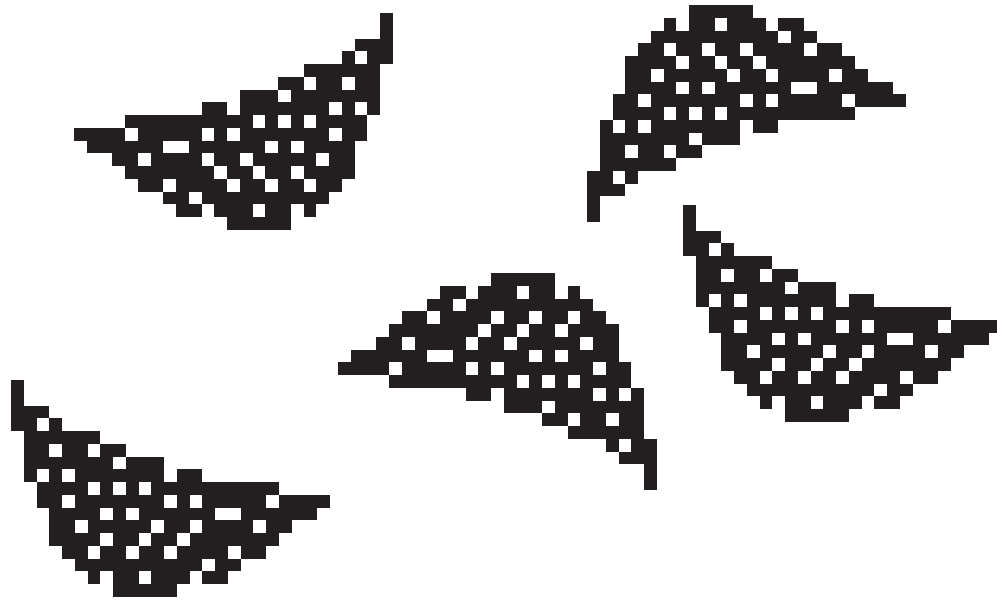
تماشاگر، عنصر مهم هنر نمایش است. به عبارت دیگر، نظام هنر نمایش به منظور ارتباط و انتقال به تماشاگر به‌وجود می‌آید. سن، جنس، سواد، حالت روحی، وضع تنقلی، وضع سیاسی و فرهنگی، و... به طور خلاصه چند و چون تماشاگران پیوسته مدنظر دست‌اندرکاران هنر نمایش بوده است.

۴. صحنه‌آرایی و نورپردازی

هر نمایش‌نامه دارای مکانی است که رویدادها در آن رخ می‌دهند؛ زمین، آسمان، شهر، ده و... برای مثال، مکان نمایش‌نامه‌ی «ژولیوس سزار» اثر شکسپیر، شهر رم است و محل وقوع حوادث نمایش آن در کاخ، میدان عمومی و... که این دو مفهوم در واقع به یک مفهوم مبدل می‌شوند.

کارگردان در واقع حد فاصل نمایش‌نامه‌نویس و تماشاگر است و نمایندده، جانشین و مفسر او به‌شمار می‌آید

هر کدام از اجزا
و عناصر اجرایی
هنر نمایش
دارای ویژگی
کاربردی خاصی
هستند که در
یک مجموعه‌ی
همسان و واحد
عمل می‌کنند



۷. تماشاخانه

ارتباط با اشخاص و سازمان‌ها، اداره‌ی تماشاخانه و تعیین ساعت تهرین و اجرا، عواملی هستند که وجود یک مدیریت قوی را ایجاب می‌کنند.

برخی از تئوریسین‌ها، موسیقی، سرود، حرکات موزون و منتقد را نیز در گروه عناصر تشکیل دهنده‌ی هنر نمایش قلمداد کرده‌اند که در این باره باید توضیحی داده شود. اول این‌که در هر اجرا میزان استفاده از هر یک از این عناصر متفاوت است. مثلاً ممکن است در یک نمایش از لوازم صحنه یا چهره‌پردازی به میزان فراوان و یا برعکس به میزان کم استفاده شود. یا در یک نمایش، از موسیقی بیشتر و در نمایش دیگر از موسیقی کمتری استفاده شود. دیگر این‌که ممکن است این کارها توسط اشخاص زیادی انجام شوند و یا آن‌که چند نفر محدود، بیشتر کارها را به عهده گیرند. برای مثال، ممکن است نویسنده‌ی یک نمایش‌نامه، هم کارگردان آن باشد و هم بازیگر و حتی طراح صحنه و چهره‌پرداز آن و یا برعکس، تحقق هر کدام از این عناصر، به اشخاص متعدد و متمایزی سپرده شود.

منابع

۱. موریسون، هیو. وظایف کارگردان در تئاتر. ترجمه‌ی حسن پارسایی. انتشارات سروش. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۲. ناظرزاده کرمانی، فرهاد. مجله‌ی نمایش. انتشارات نمایش. ۱۳۶۹.

تئاتر یا تماشاخانه محلی است برای اجرای نمایش. بیش از ۲۵۰۰ سال پیش در یونان باستان تئاترهایی با معماری خاص (تصاویر ۱، ۲ و ۳ مرتبط با این موضوع هستند) ساخته شده بودند. در کشورهای، نظیر هند، چین، ژاپن، و مصر نیز، تئاتر سابقه‌ای کهن دارد. تماشاخانه به هر شکل که باشد، اعم از ساده، بی‌سقف، مسقف، آراسته و مزین یا غیر آن، به‌طور کلی دارای دو بخش اصلی است: جایگاه بازیگران و جایگاه تماشاگران. معمولاً در تماشاخانه‌های امروزی، علاوه بر این دو بخش، اتاق، دفتر، کارگاه‌ها و انبارهای گوناگون نیز وجود دارند که هر کدام دارای کاربردهای خاص خود است. در طول تاریخ‌نمایش، انواع تماشاخانه‌های موقتی، دائمی، مسقف، بی‌سقف، کوچک، متوسط یا بزرگ وجود داشته است. صحنه‌های آن نیز قاب‌دار بوده است و یا «پیشرفته» و یا «محصور در میان تماشاگران» و فرم‌های متنوع دیگری که در طراحی صحنه وجود دارند.

۸. تهیه‌کنندگی

مجموعه‌ی فعالیت‌های نمایشی از نظر کارهای تشکیلاتی و مالی، نیازمند تدبیر، پشتیبانی و «مدیریت» است. این امر اگرچه با هنر نمایش مستقیماً ارتباطی ندارد، اما از نظر امکان اجرای کمی و کیفی نمایش‌نامه، بسیار ضروری و مؤثر است. پرداخت حقوق بازیگران، نمایش‌نامه‌نویس و عوامل فنی، هزینه‌ی برنامه‌ریزی تبلیغات روابط عمومی،